



ادبیات کودک و نوجوان «۴-۵»

یادداشت اول

یاد برخی نفرات

با مسوولیت سردبیر

این روزهای شهریور که می گذرد، نمایشگاهی از دل تاریخ بر روی انسان گشوده می شود، نام هایی که هر یک برای ما آموزه های بسیاری برای زندگی امروز دارد.

اول شهریور ماه درگذشت محمد پروین گنابادی مترجم و پژوهشگری که مقدمه تاریخ ابن خلدون را به فارسی برگردانده است. تاریخی که همواره و همیشه منبعی قابل اعتنا برای اهل پژوهش و فرهنگ بوده و خواهد بود و یا درگذشت دکتر پرویز ناتل خانلری استاد زبان و ادبیات فارسی، نویسنده اثر ارزشمند تاریخ زبان فارسی که یک اثر موجه در تاریخ زبان است و شاعری که شعر خواندنی و آموزنده عقاب و کلاغ از آن اوست.

گشت غمناک دل و جان عقاب چو ازو دور شد ایام شباب دید کش دور به انجام رسید آفتابش به لب بام رسید باید از هستی دل بر گیرد ره سوی کشور دیگر گیرد خواست تا چاره ی ناچار کند

دارویی جوید و در کار کنده... و منظومه ای آموزشی برای بزرگ بودن و سر فراز ماندن را در قالب کلمات به انسانها می آموزد و یا چهارم شهریور درگذشت مهلی اخوان ثالث شاعر بزرگ معاصر بود که تاثیر او بر شعر معاصر قابل کتمان نیست و یا پنجم شهریور درگذشت محمد زکریای رازی کاشف الکل است که نامی جهانی برای ایران رقم زده است و همایون صنعتی زاده کار آفرین و پژوهشگر ایران زمین، او که با ابتکار و خلاقیت صنعت چاپ در ایران را متحول کرد و به هر منطقه ای رفت باعث خیر و برکت شد و برای ارتقا جامعه ایرانی تلاش کرد، نام هایی که هر یک تاریخی پر آوازه برای ایران هستند، همه اینها در حالی می گذرد که نسل امروز نیازمند آشنایی با هر یک از این شخصیت هاست، این اسامی همواره باید در دل و جان نوحاستگانی باشد که در پی شناخت هویت جامعه خویشند، انسانهایی که با تلاش و پیگیری به جامعه خدمت کرده اند...

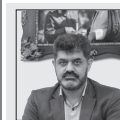
ادامه در صفحه ۲



حیات وحش در خطر است «۸»



بخش زیاد مشکل تنش آبی گمشان برطرف شد «۳»

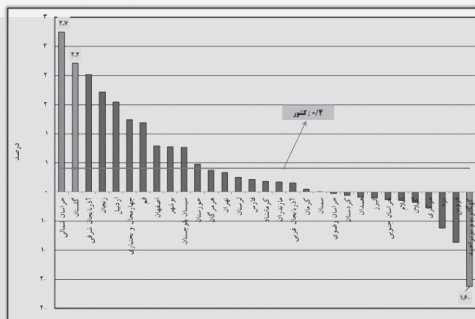


افزایش تجهیزات مدیریت بحران در گرگان «۲»

پاسخ استانداری گلستان به تیترو اول گلشن مهر:

کارشناسان با آمار سخن می گویند

میزان تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی استان های کشور در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱



ماخذ اعداد گزارشات مرکز آمار ایران می باشد

در بین استان های کشور براساس آخرین گزارش رسمی مرکز آمار ایران، شاخص نرخ بیکاری از ۱۰ درصد در بهار ۱۳۹۹ (رتبه ۱۷ کشور) به ۷/۸ (هفت ممیز هشت) درصد در بهار ۱۴۰۳ (رتبه ۱۵ کشور) بهبود یافته است.

۲- در اشتباه فاحش نگارنده متن، رشد اقتصادی سال ۱۴۰۲ استان، ۷/۹ (هفت ممیز نه) درصد عنوان گردیده است. در حالی که این ادعا هیچ وقت از سوی استاندار و سایر مراجع اقتصادی استان اعلام نشده است؛ آنچه که در این خصوص ارائه شده است، قدر مطلق تغییرات رشد اقتصادی استان در دولت سیزدهم، به میزان ۹/۷ (نه ممیز هفت) درصد بوده است که این میزان بر اساس اعلام قطعی نرخ رشد اقتصادی استان توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۹ به میزان ۵/۴- (منفی پنج ممیز چهار) و همچنین با بهره گیری از روش های اقتصادسنجی توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان، رشد اقتصادی در سال ۱۴۰۲ به میزان ۴/۳ (چهار ممیز سه) درصد برآورد...

ادامه در صفحه ۲

در جایگاه های اجرایی استان، دستگاه قضایی و مجمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی می باشد، به شرح ذیل ارائه می گردد: *ارتقاء جایگاه استان در شاخص امنیت سرمایه گذاری در بین استان های کشور، از ۶۷۰۵ (شش ممیز پنج صدم) رتبه ۳ در پاییز ۱۳۹۹ به ۵/۲۴ (پنج ممیز بیست و چهار) رتبه ۲ کشوری در پاییز ۱۴۰۲. (نیل شاخص مذکور به سمت عدد ۱۰، بیان کننده بالاترین وضعیت می باشد) لازم به ذکر است تلاش مجموعه فعالان عزیز اقتصادی و مدیران تلاش گر در طول سنوات دولت دوازدهم نیز استان را از این

دستگاه های اجرایی استان، دستگاه قضایی و مجمع نمایندگان مجلس شورای اسلامی می باشد، به شرح ذیل ارائه می گردد: *ارتقاء جایگاه استان در شاخص امنیت سرمایه گذاری در بین استان های کشور، از ۶۷۰۵ (شش ممیز پنج صدم) رتبه ۳ در پاییز ۱۳۹۹ به ۵/۲۴ (پنج ممیز بیست و چهار) رتبه ۲ کشوری در پاییز ۱۴۰۲. (نیل شاخص مذکور به سمت عدد ۱۰، بیان کننده بالاترین وضعیت می باشد) لازم به ذکر است تلاش مجموعه فعالان عزیز اقتصادی و مدیران تلاش گر در طول سنوات دولت دوازدهم نیز استان را از این

تیترو اول گلشن مهر در یکشنبه بیست و یکم مرداد شماره ۲۸۳۰ نقلی بود از مهندس قوئلو در خصوص سخنان استاندار گلستان دکتر زنگانه درباره گزارش عملکرد اقتصادی دولت سیزدهم در گلستان، در این باره پاسخی از سوی استانداری به گلشن مهر رسیده است که آن را می خوانید. لازم به ذکر است در پایان پاسخ استانداری، متن تیترو اول را برای مخاطبان گرمی بازنشر می کنیم تا امکان تطبیق و قضاوت بیشتر فراهم باشد. امید که زمینه گفت و گوی بیشتر فراهم آید.

۱- در پاسخ به ادعای نگارنده مبنی بر اینکه "همه آمار و ارقام و شاخص های ارایه شده توسط دولت سیزدهم، وضعیت استان گلستان را در همه زمینه ها جزء استان های پایین جدول نشان می دهد"، برخی از شاخص های مهم و نهایی اقتصادی استان اعلام شده توسط مراجع رسمی در دولت سیزدهم که بیان کننده زحمات و ۳۳ ماه فعالیت بخش های خصوصی و تعاونی در عرصه های خدمات، کشاورزی، صنعت و معدن با حمایت

ادامه تیر اول

ادامه یادداشت اول

یاد بر خی
نفرات

و حداقل کار ما می توانست یادآوری نام و یاد این بزرگان باشد، وظیفه ای که گویا فراموش شده است. کاش کسی دست اندرکاران فرهنگ و اجتماع این دیار را از خواب سنگینشان بیدار کند. اما شما مخاطب گرمای وقتی بگذرانید و شعر عقاب و کلاغ استاد خائلی و یا کتاب (از فرانکلین تا لاله زار) زندگی نامه استاد صنعتی زاده را بخوانید تا لذت بیشتری در زندگی همراهمان باشد.

خبر

افزایش تجهیزات
مدیریت بحران در گرگان

شهردار گرگان گفت: به مناسبت هفته دولت تجهیزات مدیریت بحران «حفاظت فردی» با اعتبار ۳۵ میلیارد تومان در گرگان رونمایی می شود. به گزارش روابط عمومی، سید محمدرضا سیدلنگی از بهره برداری اسفالت معابر سطح شهر به طول ۴۰۰ هزار متر مربع در شهر گرگان خبر داد و اظهار کرد: این پروژه به اعتبار ۲۵۰ میلیارد ریال انجام شد. وی افزود: پروژه پل سواره رو بر روی رودخانه قلعه حسن از دیگر پروژه هایی است که در هفته دولت با اعتبار ۱۳۰ میلیارد تومان احداث می شود. شهردار گرگان از احداث دور برگردان خیابان شهید صیاد شیرازی ۵۲ در این ایام خبر داد و گفت: این پروژه با اعتبار ۱۰ میلیارد تومان انجام خواهد شد. وی یادآور شد: رونمایی از تجهیزات مدیریت بحران (حفاظت فردی) با اعتبار ۳۵ میلیارد تومان، رونمایی از خودروی اطفاء حریق به ارزش ۵۰ میلیارد ریال و بهره برداری از نردبان بلند ۳۰ متری با اعتباری بالغ بر ۱۲ میلیارد تومان در ایام هفته دولت انجام خواهد شد. سیدلنگی از بهره برداری ۳ دستگاه اتوبوس به ارزش ۳۵ میلیارد ریال خبر داد و اظهار کرد: در ایام هفته دولت امسال ۲۰ دستگاه تاکسی آتش نشان به اعتباری بالغ بر ۲۰۰ میلیون ریال به بهره برداری خواهد رسید.

۶- در خصوص شاغلین بخش های عمده اقتصادی استان، نگارنده با هدف و نیت خاص، صرفاً به کاهش تعداد شاغلین بخش های کشاورزی و صنعت پرداخته و با عدم تفکیک سنواتی این روند کاهشی؛ هیچ اشاره ای به رشد ۳۰ درصدی شاغلین بخش خدمات در بازه زمانی (۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲) در نگارش خود ننموده است در صورتی که در بخش خدمات در دولت سیزدهم شاهد رشد ۲۹ درصدی شاغلین به تعداد ۶۱۳۳۱ نفر بوده ایم. همچنین طبق گزارش رسمی منتشر شده توسط مرکز آمار ایران، استان گلستان با افزایش ۲۴۳۸۴ نفر در کل جمعیت شاغل استان، دارای رشد ۹/۴ (چهار ممیز نه) درصدی در دولت سیزدهم بوده است. اگرچه نگارنده به درستی، به کاهش تعداد ۴۱۵۴۴ نفری شاغلین بخش کشاورزی از سال ۱۳۹۸ لغایت ۱۴۰۲ اشاره نموده است، اما با بررسی دقیق آمار منتشر شده توسط مرکز آمار ایران در بازه زمانی یاد شده، حدود ۶۰ درصد این کاهش یعنی تعداد ۲۷۵۱۰ نفر، مربوط به سنوات پیش از استقرار دولت سیزدهم می باشد که معلوم نیست به چه دلایلی نگارنده هیچ اشاره ای بدان نداشته است. بنا به مطالب پیش گفت: اشتغال ناشی از بخش خدمات طی دولت سیزدهم نه تنها کاهش میزان اشتغال در بخش های کشاورزی و صنعت را جبران نموده، بلکه شاهد رشد ۹/۴ (چهار ممیز نه) درصدی تعداد شاغلین بوده ایم. یکی از شاخص های اشتغال پایدار، تعداد افراد بیمه شده می باشد که بر اساس گزارش رسمی اداره کل تأمین اجتماعی استان، بیمه شدگان تأمین اجتماعی در دولت سیزدهم، ۲۸۱۱۹ نفر بوده که تقریباً برابر تعداد افراد بیمه شده تأمین اجتماعی در سال های ۱۳۹۱ لغایت ۱۳۹۹ می باشد. و اما تیر اول گلشن مهر در بیست و یکم مرداد ماه:

آقای استاندار

از کدام آمار سخن می گوید

حسینقلی قوتللو - پنج شنبه گذشته مراسم روزصنعت و معدن استان با حضور برخی مقامات محلی و ملی در مرکز استان برگزار شد و بر مبنای سنت حسنه هر ساله از تولید کنندگان برتر استان تجلیل بعمل آمد. در این مراسم جناب دکتر زنگانه که می دانست احتمالاً آخرین حضور ایشان در جمع بزرگان صنعت و معدن استان بوده به بیان برخی آمار و ارقام در دفاع از عملکرد خود و تیم اقتصادی استان پرداخت که متأسفانه بدلیل عدم آشنایی ایشان با مقوله آمار و ارقام اقتصادی به عنوان یک فعال اقتصادی حاضر در جلسه عدم پاسخگویی به آن را می تواند توهین به شعور شنوندگان و حاضرین تلقی کرد. لذا در این مقوله فقط به چند آمار و ارقام داده شده خواهیم پرداخت و انشالله در آینده باز هم در این زمینه از عملکرد تیم اقتصادی دولت سیزدهم در استان خواهیم نوشت تا فعالین اقتصادی استان در جریان باشند که در کجای جغرافیای اقتصادی استان دولت جدید کار را تحویل می گیرد. اولاً ایشان طوری مفصل از تریبون استفاده کرده و با ارقام و آمار وضعیت استان را گل و بلبل نشان داد که همه ی حضار فکر کردند این ارقام و آمار مربوط به یک استان پیشتاز و برخوردار می باشد، حال آنکه همه آمار و ارقام و شاخص های ارایه شده توسط همان دولت سیزدهم وضعیت استان را در همه زمینه ها جزء استانهای پایین جدول نشان می دهد. ثانیاً

خواهش اینجانب از استاندار محترم این است که در ارایه آمار و ارقام به مراکز معتبر آماری کشور از جمله مرکز آمار ایران و یا بانک مرکزی استناد کند تا قابلیت راست آزمایی داشته باشد و آمار زیر دستان را قبول نکنند. برای نمونه ایشان بیان کردند که در سال قبل رشد اقتصادی استان بیش از ۷/۹ درصد (هفت ممیز نه درصد) بوده و از میانگین رشد حدود ۵ درصد کشور بالاتر بوده است. لازم است توضیح دهند که آمار رشد اقتصادی استان را از کدام مرجع آماری گرفته اند و خوب است ایشان اطلاع داشته باشند که آمار حسابهای منطقه ای مرکز آمار ایران که رشد اقتصادی استانها در زیر گروه های اقتصادی استانی را نشان میدهد معمولاً با تاخیر دو تا سه ساله منتشر میشود و آخرین آمار رشد استانی منتشر شده توسط مرکز آمار ایران مربوط به سال ۹۹ میباشد و آخرین برآورد پژوهشکده مرکز آمار ایران هم مربوط به سال ۱۴۰۰ میباشد و هنوز هیچ آمار متقنی در مورد رشد اقتصادی استانهای کشور برای حتی سال ۱۴۰۱ هم نداریم چه برسد به سال ۱۴۰۲ و آمار موجود رشد اقتصادی سال ۱۴۰۲ مربوط به آمار رشد کشوری است، بنابراین وقتی که آمار قابل استناد نداریم چرا استاندار محترم به عدد ۷/۹ درصد (هفت ممیز نه درصد) استناد میکند. ایشان براحتی میتوانستند اعلام کنند که استان ۷/۹ درصد (هفت ممیز نه درصد) رشد کرده است. جناب دکتر زنگانه عزیز استانی که رشد اقتصادی آن در سال قبل حدود ۸ درصد باشد باید مجموع حجم تولیدات آن حدود ۸ درصد رشد کرده باشد و کفایت ایشان بجای حضور در جلسات، سری به شهرکهای صنعتی استان بزند تا در میدان ببیند که آیا حجم تولیدات استان ۸ درصد رشد کرده یا نه و اصولاً وقتی در استانی دو روز در هفته در تابستان برق واحدها قطع است و در زمستان گاز واحدها قطع میشود آیا رشد حدود ۸ درصد امکان پذیر میباشد؟ به همین دلیل هم ادعای اینکه در دولت قبل سرانه تولید ناخالص داخلی استان از ۴۷ درصد میانگین کشور به ۵۲ درصد رسیده هم بدلیل عدم در دسترس بودن عدد تولید ناخالص داخلی استان در سال قبل قابلیت راست آزمایی ندارد. اما آمار اشتغال استان که ایشان در صحبت های خود به آن پرداخت بدلیل در دسترس بودن آمار استان قابل بررسی میباشد که خواهیم پرداخت. آخرین آمار اشتغال سالیانه استان در سال ۱۴۰۲ نشان می دهد که نرخ مشارکت اقتصادی استان ۳۹/۷ درصد (سی و نه ممیز هفت) و نرخ بیکاری استان ۹/۵۶ درصد (نه ممیز پنجاه و شش درصد) و نسبت اشتغال استان ۳۵/۹ درصد (سی و پنج ممیز نه) در هر سه شاخص نسبت به شاخص های کشوری که ۴۱/۳ درصد (چهل و یک ممیز سه) و ۷/۱ درصد (هشت ممیز یک) و ۳۷/۹ درصد (سی و هفت ممیز نه) می باشد، عقب تر بوده و جزء ده استان پایین جدول استانهای کشور می باشد و این نسبت در بهار ۱۴۰۳ هم در مقایسه با کشور نشان از عقب افتادگی استان در شاخص های نیروی کار نسبت به میانگین کشوری دارد. بعنوان یک عدد قابل لمس تعداد شاغلین بخش کشاورزی استان در سال ۱۴۰۲ به حدود ۱۰۲۳۳۴ نفر برآورد میشود که در مقایسه با تعداد شاغلین این بخش در سال ۹۸ یعنی سال قبل از کرونا که ۱۹۲۷۸ نفر بوده نشان از کاهش حدود ۴۶۵۴۴ نفر از شاغلین مهمترین بخش اقتصادی استان دارد و شاغلین بخش صنعت استان هم نسبت به سال ۹۸ نه تنها افزایش نداشته بلکه بیش از دو هزار نفر کاهش داشته است و تعداد کل شاغلین استان در انتهای سال ۱۴۰۲ در مقایسه با سال ۹۸ تغییر آنچنانی نداشته است. حال آنکه در این چهار سال حدود ۶۶۵۰۰ نفر به جمعیت بالای ۱۵ سال استان اضافه شده و لازم است که استاندار محترم توجه داشته باشد فقط نرخ بیکاری به تنهایی نشان از بهبود شرایط اشتغال استان نیست و ترکیب نرخ بیکاری و نرخ مشارکت اقتصادی که در نسبت اشتغال استان خود را نشان میدهد نشان از بهبود شرایط اشتغال استان خواهد داشت که از این نظر یعنی نسبت اشتغال استان با نسبت اشتغال ۳۷/۱ درصد (سی و هفت ممیز یک) در بهار ۱۴۰۳ در مقایسه با کشور و استانهای همجوار مثل مازندران با نسبت اشتغال ۴۱/۵ (چهل و یک ممیز پنج) وضعیت وخیمی را دارد. انشالله در مورد سایر آمار مانند تعداد جلسات کارگروه تسهیل و ضریب جینی استان و نتایج سفرهای استانی مرحوم ریسی در استان و سایر اعداد و ارقام بدترتر خواهیم نوشت.

میزان تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی استان های کشور در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱

* نسبت اشتغال استان از ۳۵/۹ (سی و پنج ممیز نه) در بهار ۱۴۰۲ به ۳۷/۱ (سی و هفت ممیز یک) در بهار ۱۴۰۳ افزایش یافته است (این در حالی است که نسبت اشتغال کشور ۲۸ بوده است (استان در جایگاه ۱۷ قرار دارد).

یادداشت دبیر صفحه

حس قربانی شدن، حسی که امروزه گاهی ممکن است افراد درگیرش شوند. حواستان باشد که به دامش نیفتید. از آن حس هاست که اگر کسی بیانش کند ممکن است به شما همه انتقال بیاید. مثلا کسی در درس علوم پیشرفت نمی کند و روش تدریس معلم سال گذشته را دلیل عدم پیشرفت خود می داند و تا سال ها با همین ضعف پیش می رود. یا فردی ترک تحصیل می کند و بعدها می گوید چون ناظم مدرسه به خاطر ناخن های بلندم با من بدرفتاری کرد؛ من هم نتوانستم این بی احترامی را تحمل کنم و دیگر مدرسه نرفتم. اگر چنین نمیشد الان متخصص جراحی مغز بودم. همه ما از ناملایمات و بی احترامی دیگران ناراحت می شویم؛ اما زندگی ما ارزشمندتر از آن است که با این بهانه هادر جا بزینیم. شاید به جای مقصر دانستن دیگران بهتر است دنبال راهی در مسیر خود باشیم. در دنیا راه های بسیاری برای موفقیت وجود دارد؛ فقط باید حواسمان باشد که به موقع گام برداریم.

ادبیات
کودک
و نوجوان

مانده باشد اما، شاید روزی بتوان فرار کرد، همه ی این ها در حد احتمالات است. نمی دانم، شاید روزی شد، فرار از این جهنم پر از آتش. اما می دانم چیزی که نجاتم می دهد، خودم هستم و فکرهایم. آدم ها همیشه درگیر فکر و خیالاتشان می شوند و آنچه رهایمان می کند و امید می بخشد؛ تلاش و اندیشه خودمان است.



شمیم شاه دادی

شدم، حالم زیاد خوب نبود؛ گرم بود، احساس می کردم تب دارم. صورتمو شستم و خشک کردم. برای صبحانه دوتا زردآلو و ده تا آلو رو با خیار به شکل چهارخونه خرد کردم. بعد هم چای ماسالا و با کمی دسر بیسکوییتی و ژله خوردم. بعد رفتم سفارش بگیرم. لباس های مخصوص و همیشگی که برای رستوران می پوشم را پوشیدم. لباس سفید و دامن چهارخانه سیاه و سفید با جوراب بلند و سفیدم را با کتونی سفید. رفتم رستوران و سفارش گرفتم. البته جلوی هرکسی می رفتم و میگفتم چی میل دارید، خنده ریزی می کرد، با دستمال جلوی دهانش را می گرفت و پاسخ می داد: «ممنون زحمت نکش، گرسنه نیستم». من که از رفتار مشتری هایم تعجب کرده بودم و حالم بد بود، تعطیل کردم و رفتم. به خونه که رسیدم رفتم صورتم رو بشورم دیدم که صورتم سرخ سرخ هست. دست ها و پاهایم هم همینطور. اهمیتی ندادم، صورتم رو شستم و ساندریچ بنیر با ماست یونانی خوردم. اصلا حال هیچ کاری نداشتم و هی میخواستم برم بیرون برای شام خرید کنم. اینقدر سرگیجه به من زور گفت که مجبور شدم برای شام فقط چایی با مربای آلو بخورم. نصفه شب درد صورت و دست و پا مرا دیوانه کرد. تا صبح نخوابیدم. صبح خواب آلوده رفتم صورت بشورم که بعد از دیدنش آن چنان جیغی زدم که حتی جوجه گنجشک هایی که تازه میخواستند پرواز یاد بگیرند از ترس تند تند بال بال زدند و پرواز را مجبوری سریعتر یاد گرفتند. فکر می کنید چه بود؟ صورتم پر از جوش چرکی شده بود، لباس هامو پوشیدم و رفتم دکتر، دکتر که منو معاینه کرد گفت: «آبله مرغان گرفتی» من هم جواب دادم: «دکتر الان وقت شوخی نیست! منو هرچه سریعتر معالجه کن!» دکتر دوباره نیمه عصبانی و نیمه خونسرد جواب داد: «شوخی نیست، گفتم آبله مرغان گرفتی!»

ای بابا! خانم دکتر! دوباره که گفتی مرغانو آواره کردی! -نه جانم، اینو نگفتم؛ نام بیماری شما آبله مرغان هست و مسریه. یعنی به دیگران منتقل میشه. دو هفته استراحت کن. بیا اینم داروی تب بر. اگر تب بالای چهل درجه رفت، بیا تا با طب سوزنی درمانت کنم». من هم دو هفته استراحت کردم و صبحانه، ناهار، عصرانه و شام فقط سوپ خوردم. بعد از اینکه خوب شدم، نامه ای از طرف مادرم دریافت کردم: «دختر عزیزم رزی جان! پدر تو حالش خیلی بد است. خواهرت لیسا هم روزها سرکار میره. من هم که همش بیرونم. دختر گلگم! تا دوزخ دیگه خودتو برسون و برای پدرت غذای مقوی آماده کن! من هم ساک و وسایلم را جمع کردم تا بروم پیش پدرم. وارد خانه که شدم، برق ها خاموش بود. بوی دود به مشام می رسید، یکدفعه برق روشن شد. کیک تولدی وسط میز بود با عکس دختری که جوش های زیادی داشت. با گل های فرانسوی و آبنبات ها و تارت های ژله ای. مادر و پدرم و لیسا همه به من تبریک گفتند و من هم شاد و خوشحال از آن به بعد پیش آنها زندگی کردم. و خانه قبلی ام را اجاره دادم.

دختر والیبالیست



نازنین زهرا خانقلی

زهرا دختری بود که بسیار به والیبالیست علاقه داشت. به همین دلیل به مادرش گفت: «امان میشه منو بفرستی کلاس والیبالیست؟» مادرش که مشغول آشپزی بود، گفت: «بذار بابا تا باهاش مشورت کنم». زهرا آمد جلو و صورت مادرش را بوسید. مادرش هم دستش را شست و او را بوسید. مهناز و مهنا قرار بود به خانه ی زهرا بیایند تا در درس شیمی باهم کار کنند، چون فردا امتحان داشتند. مهناز به مهنا گفت: «بهتره قبل از اینکه خونه ی زهرا بریم برای زهرا یک ست لوازم التحریر بخریم چون فردا تولدش هست». مهنا قبول کرد. پدر زهرا آمد. زهرا آن روز به پدرش خیلی میرسید و پدرش گفت: «زهرا جان راستش رو بگو چیزی میخوای بگی؟» زهرا گفت: «آره... بابا امروز چندشنبه؟» پدرش گفت: «دوشنبه! چطور؟» زهرا ادامه داد: «چندمه؟» و پدرش که چیزی ناگهان به ذهنش رسید، گفت: «نوزدهم! آهان امروز تولدته!» و زهرا گفت: «آره برای همین میخوام منو کلاس والیبالیست بفرستی؟!» پدرش پذیرفت و پاسخ مثبت داد و زهرا پدرش را بوسید و فرمایش ثبت نام کردند. دو سال گذشت و زهرا یکی از بهترین دختران والیبالیست شد و به بچه های کوچک تر والیبالیست یاد می داد.

دریای سیاه



سیده زهرا علوی نژاد

خوشبختی، چه واژه ی غریب! در افسانه ها باید به دنبال آن بگردم، شاید بتوانم پیدا کنم. قلبم درد دارد. دگر نمی توان تحمل کرد این ویرانه خانه را. رویادهای بد به طور متوالی اتفاق می افتند و راه فراری وجود ندارد. بدی مانند زنجیر دور خانه می پیچد و خانه را در سیاهی غرق می کند. کجاست؟ آن کشتی نجات کجاست؟ آیا صدای فریادهای ما در عمق این دریای سیاه شنیده می شود؟ چه کسی می تواند ما را از این دریای سیاه و گل آلود نجات دهد؟ دست و پا می زنیم تا در آن غرق نشویم؛ اما در واقع بیشتر در آن فرو می رویم. دریغ از ذره ای رهایی! در بند بودن بیشتر و بیشتر. انتظار، تنها امید ما است. هر چند فکر نمی کنم دگر امیدی

جوش های چرکی

یسری شهواری

سلام من رزی هستم، چهارده ساله. تنها زندگی میکنم و خیلی شادم. میخوام براتون داستان جالبی از چندروز پیشم تعریف کنم. من عاشق پوستم بودم و هرماه نصف پولی که از راه آشپزی به دست می آوردم رو صرف خرید مایع شوینده مناسب و صابون با کیفیت و حوله مخصوص می کردم. یک روز صبح زود بیدار

نمونه ای برای تمرین شعر نوشتن بهره ببرید. همانطور که هنرجویان نقاشی گاهی از روی الگو تمرین می کنند و طرح می زنند در دنیای تمرین شعر هم گاهی قلم بردارید و شعری از بر اساس الگو بنویسید. قرار نیست این شعر شما باشد بلکه صرفاً نمونه ای است برای تمرین، تجربه و گامی به مرحله بعدی.



بیش و کم شنیده ایم و خواننده ایم نکته هایی آشناست.

لیک هیچکس به ما نگفت

مرجع ضمیر زندگی کجاست؟!

حافظ می گوید: «حدیث از مطرب و می گو و راز دهر کمتر جو/ که کس نگشود و نگشاید به حکمت این معما را». مرجع ضمیر زندگی را هم نمی توان با «حکمت» و «چرا» و «چگونه» پیدا کرد. شاید هر فردی می آید و پرسش های خود را در جهان باقی می گذارد و می رود. تجربه ی ما از زندگی مانند تجربه نسیم و آب و جویبار در گذر است. محتوای این شعر که اشاره ای به راز بزرگ آفرینش دارد، بسیار ساده و با عناصر طبیعت آغاز می شود. شاعر حرکات نسیم و جریان آب و جویبار را به جمله های ساده ای تشبیه کرده که در جهان شنیده می شود. کلمه هایی مانند «جمله»، «فعل لازم»، «اسم جامد»، «اشتقاق»، «مرجع ضمیر» از اصطلاحات زبان و ادبیات است. شاعر این اصطلاحات دستور زبان پارسی را کنار هم قرار داده و گویی جهان هستی را به نظم کشیده. «سوال هاست»/ «آشناست»/ «کجاست» با هم قافیه اند که در پایان مصراع های نامساوی و کوتاه و بلند آمده اند. و همینطور «شنیده ایم و خواننده ایم» قافیه های درونی و روی یک سطر هستند. «گیاه»، «سنگ» با «درخت» از لحاظ ظاهری قافیه نیستند اما آوا و هماهنگی به وجود می آورند. وزن شعر در تمام بیت ها رعایت شده ولی مانند شعرهای کلاسیک و قالب غزل و مثنوی و... اندازه هایش برابر نیست. شاعران نوجوان گلشن مهر می توانید از این شعر به عنوان

کدکنی بخوانیم



آزاده حسینی

جمله های ساده ی نسیم و آب و جویبار
فعل لازم نفس کشیدن گیاه
اسم جامد ستاره، سنگ
اشتقاق برگ از درخت
و آنچه زین قیل سوال هاست
در بر ادیب دهر و مکتب حقایقش

بخش دوم نوشته سر نوشت



نرگس کوهکن

محو و مبهوت



فاطمه مزنگی

به ارواح و دیو و مردگان اعتقادی نداشت، اما پایه این بی اعتقادی فقط تا همان شب پایدار بود و به یکباره فرو ریخت. از نیمه شب گذشته بود و هوای مه آلود کوهستان رفته رفته به کوهپایه هایش می رسید و تمام خانه های روستایی را در خود می بلعد. لولای در اصطیل زنگ زده بود و به خاطر سهل انگاری اش خوب بسته نشده بود و مثل فلوتی که توسط قاصد مرگ نواخته می شود در هیاهوی باد می رقصید و می خندید. با سرعت در و پنجره های چوبی خانه را محکم کرد. کاغذ زرد قلم نوشته به خون حیوانی را به اصرار پدر به درب چسباند. فارغ از اینکه کم حواسی اش باعث شده بود که کاغذ به درب نچسبد و به راحتی به زمین بیفتد. صدای مهمه ای اطراف روستا را پر کرده و خواب شبانه را دروغ می کرد. به گمان پدر که همه چیز امن و امان است و کاغذ زرد را به دستور او به درب خانه آویخت. پدر روی تشک تخت خوابیده بود و صدای خر و پفش نشان از خواب هفت پادشاهش داشت. صدای قدم های کشیده و آهسته ای از پشت در خانه بدنش را به لرزه انداخت و در پی آن صدای باز شدن لولای در کاری کرد که خون در بدنش یخ بزند. جاروی بلندی که به دیوار تکیه داده بود را برداشت و به حالت حمله رو به روی خود نگه داشت. در به آرامی باز شد. از پشت مه عظیمی که دیدگان را می پوشاند، هیچ چیز قابل رویت نبود. اما به هیچ عنوان نمی توانست گمان کند که باد در را باز کرده است. چند قدم به سمت در برداشت که ناگهان نور برنده و سفیدی فضای پوشیده از مه را درید و صدای افتادن و ضرباتی که از جانب باد به گوش می رسید، کنجکاویش کرد که نزدیک تر شود. گوشه ای از غریزه بقا سعی در خاموش کردن حس قلقلک مانند کنجکاوای داشت و گوشه دیگری با احساس مور مور شدن و کرختی بدن میگفت که اتفاقی عجیب در مقابل دیدگانش در حال رخ دادن است و شاید این شب تنها فرصتش برای دیدن یکی از این به ظاهر شایعات کوهستان باشد. صدای ضربات کمابیش به چرخاندن چوب در هوا می ماند ولی تیزتر و شکافته تر. با صدای خرخر عجیبی سر جایش ایستاد و به اطراف نگاه کرد. گمان میکرد حیوانی وحشی در اطراف است ولی تا به حال چنین صدایی شنیده بود که ناگه صدای فلوتی گوش خراش و زنده او را به زمین انداخت. و آخرین صحنه ای که قبل از بسته شدن پلک هایش دید فردی سفید پوش بود که در میان مه و ابر می رقصید و می نواخت و دسته ای سایگان تیره و تار او را دوره کرده بودند و به یکباره محو می شدند.



آیدامنوچهری

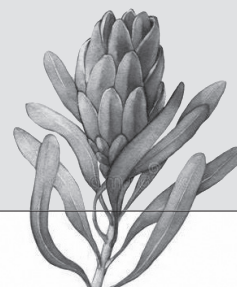
غمگینم. مانند ماهی که از تنگ بلورین مورد علاقه اش دور است. گچی که دیگر بر روی تخته سیاه کشیده نمی شود. و عروسکی که دستان گرم و کوچک مادرش به دور تن و بدن نحیفش پیچیده نمی شود. اشکی از چشمانم نمی آید و سر دردم هر لحظه تشدید می شود. شاید فکر کردن به آن بهشت سر سبز کمی حالم را بهتر کند. فکر کردن به کوچی یاس قلم را آرام می کند. قلبی که دیگر جانی برای ادامه دادن ندارد اما وای بر آن روزی که از کار بیفتد. کوچی یاس همانند اسمش مملو از یاس های سفید و بنفش است. امان از آن بوی فوق العاده که تو را مدهوش و جودش می کند و حضور خود را به بهترین نحو بیان می دارد. یاس های کوچک همیشه در حال نزاع با گل های رونده ی همسایه بودند، از گل زنده بدم نمی آید اما به دلیل اینکه با اذیت یاس مهربانم جای رشدی برای او نمی گذارد، دل خوشی از آن ندارم. گفتم همسایگان، یاد آن دورهمی های ماهانه بخیر که هر ماه همه افراد کوچی به خانه ی یکی از اهالی محل روانه می شدیم. آن خنده های بدون غم، چشمان بدون اشک و پاک و زیبا. شهری که در جنگل وسیعش حیوانات کوچک و بزرگ به جنب و جوشند. شهری کوچک اما بادلی بزرگ که به افراد زیادی مکانی برای زندگی و کاشانه ای برای آرامش داده است. دلم برای جنگل چهار فصل و رودخانه های سرد و زلال زادگاهم تنگ است. رودخانه هایی که همیشه پذیرای مهمان های کوچک و پر سر و صدا هستند. سرم پر از فکر پیاده روی های روزانه همراه با مادرم است، پیاده روی در دل جنگل و صحبت کردن درباره ی موضوعات مختلف زندگی و در آخر نوشیدن از چشمه ی زلال و زیبا. نفس کشیدن در آن هوای سرد و پاک کجا و نفس کشیدن در این شهر پر از آلودگی کجا؟ دلم نوازش کردن گریه های کوچی یاس می خواهد و ترسیدن از سگ بزرگ همسایه و در عین حال قربان صدقه رفتنش، سرسام گرفتن از سروصدای بیجه هایی که دخترانش در حال تزئین ماشین پارک شده در کوچی و پسرانش در حال جمع کردن تزئینات مورد نیاز ماشین هستند. با حس کردن خیسگی اشک بر روی گونه هایم شاد می شوم. بالاخره، جمع شدن اشک در چشمانم منجر به باریدن آن ها شد. حالا که این قفل شکسته پس لازم است برای تمام چیزهایی که به آن فکر کردم گریه کنم و پس از پایان آن کار خسته کننده با مادرم تماس بگیرم و از مزیت های مهاجرت و موفق شدنم در این کشور غریب برایش بگویم.

میان خیمه ها



سیده فاطیما عقیلی

می سوزد دلم در میان خیمه ها/ می پیچد صدای گریه، در میان لشکرها
عمو عباس چرا نیامد؟! / مشک پر آب، چرا نیامد؟
چرا می بیند چشمم سراب/ آه از طفل شش ماهه ی رباب
بابا جان، زخم شده صورت ماهت! / چرا لبخند نیست بر لبانت؟
عمه زینب بی قرار است! / نمی دانم چرا او، بی تاب است!



جولان سگ‌های ولگرد زیر سایه حامی نماها

حیات وحش در خطر است



پرسه گاه و بی‌گاه سگ‌های ولگرد در مناطق مسکونی و بافت شهری زخم کهنه‌ای است که التیام آن مطالبه اصلی شهروندان گلستانی به شمار می‌رود؛ معضلی که علاوه بر سلامت مردم، حیات وحش را هم نشان گرفته و نیازمند ورود جدی‌تر دستگاه‌های متولی برای کنترل و ساماندهی سگ‌های بدون صاحب است. به گزارش ایرنا، امروزه نه حاشیه شهرها و جاده‌ها که خیابان‌ها و معابر شهرها و روستاهای گلستان از پرسه سگ‌های ولگرد در امان نیست. سگ‌های بدون صاحب منشا انواع بیماری‌ها هستند که بیماری‌های از جمله عامل بیماری‌زایی است که انسان در صورت ابتلا چاره‌ای جز رویارویی با مرگ را ندارد. از سویی دیگر کارشناسان محیط زیست معتقدند آسیب سگ‌های بلاصاحب بر محیط زیست نیز زیانبار و غیرقابل جبران است طوری که این سگ‌ها در انقراض حداقل ۱۱ گونه حیات وحش نقش داشته و برای ۱۸ گونه جانوری یک تهدید جدی به شمار می‌روند. آمارها حاکی از آن است که ایران از جمله کشورهایی است که بین ۲۱ تا ۲۵ گونه جانوری در حال انقراض ساکن در آن، توسط سگ‌های بدون صاحب در معرض تهدید قرار دارند. کنترل و ساماندهی سگ‌های ولگرد در کشورمان مربوط به وزارت کشور است و بر همین اساس، این مهم در محدوده و حریم شهرها و شهرک‌ها بر عهده شهرداری‌ها و در زیستگاه‌ها و توقفگاه‌های انسانی خارج از محدوده و حریم شهرها و شهرک‌ها، به عهده بخش‌های و در محدوده روستاها، به عهده دهیاری‌ها است. گرچه در این سال‌ها عملکرد دستگاه‌های متولی در ساماندهی سگ‌های ولگرد همواره مورد نقد بوده و کارشناسان اقدامات شهرداری‌ها و دیگر دستگاه‌های متولی را کافی نمی‌دانند اما در کنار این مساله نباید از نقش افرادی که با چهره «حامی حیوانات» بر این معضل شهری دامن می‌زنند غافل شد؛ برخی از مدافعان سگ‌های بدون صاحب در جامعه دلسوزی و حمایت از حقوق حیوانات، دست به کاسبی زده و با پهن کردن سفره‌های پر از گوشت و اشتراک آن در فضای مجازی، اقدام به تشویق مردم به غذاهای بی حیوانات ولگرد و همچنین جمع‌آوری کمک‌های نقدی می‌کنند بدون آنکه به آسیب این سگ‌ها بر سلامت جامعه و حیات وحش توجه کنند. سال‌ها پیش اتلاف سگ‌های ولگرد یکی از راه‌های کنترل این آسیب در جامعه بود اما با اعتراض سازمان‌های حمایت از حقوق حیوانات، طرح اتلاف سگ‌های ولگرد و کنترل حیوانات ناقل بیماری متوقف شد و پس از آن اجرای طرح جمع‌آوری و نگهداری سگ‌های ولگرد کلید خورد که با اجرای این دستورالعمل، تعداد سگ‌های ولگرد و تردد دسته‌جمعی و گله‌ای آنان در سطح شهرها و معابر افزایش چشمگیری داشته است. گرچه انجمن‌های حمایت از حقوق حیوانات با اعتراض‌های پیاپی مانع اتلاف سگ‌های ولگرد شدند اما در عمل هیچ اقدامی در حمایت از این حیوانات بی‌صاحب انجام ندادند و تنها با حمایت کلامی، باری سنگین را بر دوش مردم و متولیان امر گذاشتند. براساس اعلام مرکز بهداشت گلستان بیش از ۱۸ هزار گلستانی در سال ۱۴۰۲ و پنج هزار و ۷۳۳ نفر در سه ماه نخست امسال دچار گزش شدند که اکثر این گزش‌ها توسط سگ‌ها انجام شده است، همچنین سالانه ۶۰۰ میلیارد ریال اعتبار برای واکسیناسیون هزینه می‌شود که در صورت کنترل و ساماندهی سگ‌های ولگرد این میزان اعتبار می‌تواند در بخش دیگری صرف شود. با وجود آنکه طی سال‌های اخیر بیماری‌های در استان گلستان مشاهده نشده اما سگ‌های ولگرد تهدید جدی برای بهداشت عمومی جامعه محسوب می‌شوند و آرامش و آسایش مردم را بر هم می‌زنند. یک بانوی گلستانی در این باره گفت: تعداد سگ‌های ولگرد و تردد دسته‌جمعی و گله‌ای آنها در خیابان‌ها و معابر آرامش را از ما سلب کرده طوری که با ۶۰ سال سن از ساعت هشت شب به بعد جرات بیرون رفتن را ندارم. فاطمه الیاسی به توقف طرح اتلاف سگ‌های ولگرد واکنش نشان داد و گفت: ساماندهی و کنترل سگ‌های ولگرد مساله بسیار مهمی است و نباید مدیریت آن صرفاً تابع احساسات عده‌ای از حامیان حقوق حیوانات باشد. یکی از شهروندان اهل کردکوی نیز از پرسه سگ‌های ولگرد در سطح شهر گلایه کرد و گفت: بنده در مرکز شهر کردکوی ساکن هستم و با این وجود همیشه شاهد تردد سگ‌های ولگرد در کوچه و خیابان محل سکونت هستم. امیررضا حسینی ادامه داد: پرسه سگ‌های ولگرد در نزدیکی محل سکونت باعث شده همسر و فرزندانم از ساعت ۶ عصر به بعد دیگر نتوانند بیرون بروند. همین چند روز پیش فرزند خردسالم که قصد رفتن به فروشگاه را داشت با پارس سگ ولگرد مواجه شد و سراسیمه و با وحشت زیاد به خانه بازگشت. وی متذکر شد: شرایط نامناسب زباله‌ها در شهرها و همچنین غذاهای دستی به سگ‌های ولگرد از سوی مردم در افزایش بی‌ضابطه این سگ‌ها در جامعه بی‌تأثیر نیست. یک نوجوان ۱۵ ساله نیز از تردد سگ‌های ولگرد در سطح شهر گلایه کرد و افزود: روزهایی که مدرسه می‌رفتم یکی از ترس‌هايم مواجهه با سگ‌های ولگرد در مسیر رفت یا برگشت از مدرسه بود، گرچه خیلی وقت‌ها این سگ‌ها کاری به ما ندارند اما تردد آنها از کنار ما ترس و دلهره زیادی به همراه دارد. معاون فنی مرکز بهداشت گلستان در این باره گفت: پس از گزش سگ تازه مشکلات مراکز بهداشت شروع می‌شود چرا که باید مبالغ هنگفتی را صرف واکسیناسیون، کشیک همکاران و راه‌اندازی مراکز برای انجام واکسیناسیون شود. سید مهلی صداقت ادامه داد: در گذشته برنامه اتلاف سگ‌های ولگرد انجام می‌شد که این معضل را تا حدود زیادی کنترل می‌کرد اما در حال حاضر گزش سگ‌های ولگرد در گلستان، ماهانه روند افزایشی دارد و از سالانه ۱۹ هزار گزش که در گلستان رخ می‌دهد بیشتر آن مربوط به گزش سگ‌های ولگرد و

صاحب‌دار است. به گفته وی؛ پارسال بیش از ۱۸ هزار گزش در استان گلستان گزارش شده که از این تعداد ۱۰ هزار و ۴۹۷ گزش مربوط به سگ صاحب‌دار و سه هزار و ۶۰ مورد مربوط به سگ ولگرد بوده است. این مقام مسئول تاکید کرد: در کشورهای دیگر نیز شهرداری و یا ارگان‌های دیگر سگ ولگرد را تا ۲ هفته نگهداری می‌کنند اما اگر برای آن متقاضی پیدا نشد آن را معلوم می‌کنند. معاون فنی مرکز بهداشت گلستان با بیان اینکه شهرداری‌ها در ساماندهی سگ‌های ولگرد مستاصل شدند و نمی‌دانند باید چه کنند، گفت: براساس آخرین تصمیم قرار بود وزارت کشور اعتباری به این بخش اختصاص یابد تا سه پناهگاه دیگر نیز در استان ایجاد شود. به گفته صداقت: بهترین کار این است که مراکز نگهداری در مدت ۲ هفته کارهای اولیه از جمله عقیم‌سازی را انجام دهند و اگر سگ قابلیت نگهداری ندارد و یا کسی مسئولیت آن را بر عهده نگرفت به روش‌های انسان‌دوستانه معلوم شود. وی خواستار جلوگیری از غارتگری انسان‌ها از سگ‌های ولگرد شد و افزود: این مساله موجب زاد و ولد بیشتر سگ‌ها می‌شود، از سویی دیگر اخلاقی سگ‌ها را باید بشناسیم که چطور انسان را مورد گزش قرار می‌دهد، برای مثال هنگام دولا شدن و یا اگر انسان بخندد و سگ دندان‌های انسان را ببیند تصور می‌کند فرد قصد حمله به او را دارد و در این مواقع گزش رخ می‌دهد. رئیس اداره نظارت بر حیات وحش استان گلستان با بیان اینکه افزایش روزافزون سگ‌های ولگرد در جامعه، معضلاتی را به وجود آورده، اظهار کرد: افزایش بی‌رویه هر حیوانی حتی در حیات وحش مشکل ساز است، امروزه آمار سگ‌های ولگرد آنقدر زیاد شده که دیگر به زیستگاه‌های طبیعی هجوم آورده طوری که این معضل در پارک‌های جنگلی از جمله سنگدانه به خوبی قابل مشاهده است. محمود شکیبا گفت: پرسه سگ‌های ولگرد علاوه بر انسان‌ها در حیات وحش نیز رعب و وحشت ایجاد می‌کند و حضور آنها، آسایش برخی حیوانات مانند خرگوش، شوکا و گرازها را در جنگل مختل می‌کند. وی با بیان اینکه بسیاری از حیوانات وحشی در جنگل طعمه سگ‌های ولگرد می‌شوند، تصریح کرد: افزایش روزافزون سگ‌های بلاصاحب و صاحب‌دار موجب اشاعه بیماری‌های کشنده‌ها در انسان و دیگر حیوانات می‌شوند و دولت باید مبالغ هنگفتی را صرف کنترل این بیماری کند. رئیس اداره نظارت بر حیات وحش استان گلستان تاکید کرد: معضل دیگر حضور سگ‌های ولگرد در حیات وحش، جفت‌گیری آنها با گرگ‌ها و تولد حیوانی به نام گرگاس است که در زندگی گرگ‌ها و تفرسی و شجاعت سگ‌ها را دارد و با حضور در دل شهرها و روستاها به مردم و حیوانات اهلی حمله می‌کنند. شکیبا با تاکید بر اینکه سرگردانی سگ‌های ولگرد بدون ساماندهی دقیق مشکلاتی را ایجاد می‌کند که گریبان ما را خواهد گرفت، بیان کرد: شهرداری‌ها باید با جدیت بیشتری وارد عمل شوند، از سویی دیگر مردم هم از غذاهای خودسرانه به این سگ‌ها بپرهیزند. سرپرست امور شوراها و شهرداری‌های استان گلستان نیز در این باره اظهار کرد: آمار دقیقی از میزان سگ‌های ولگرد وجود ندارد اما برآوردها حاکی از وجود ۲۰ تا ۴۰ هزار سگ ولگرد در استان گلستان است. سید محسن حسینی با بیان اینکه افزایش سگ‌های ولگرد نگرانی سازمان محیط زیست را هم به دنبال داشته است، افزود: سگ‌های ولگرد علاوه بر آسیب به حیات وحش، آرامش و آسایش مردم را هم نشانه می‌روند. به گفته وی؛ سالیان قبل افرادی تحت عنوان میرشکار در شهرداری‌ها اقدام به اتلاف سگ‌های ولگرد توسط تفنگ می‌کردند اما با اعتراض برخی افراد به ظاهر حامی حیوانات، اتلاف سگ‌ها متوقف و نگهداری سگ‌های ولگرد در دستور کار قرار گرفت. سرپرست امور شهری و شورا‌های استانداری گلستان متذکر شد: گرچه برخی دوستداران حیوانات مانع اتلاف و عقیم‌سازی سگ‌های ولگرد هستند اما حتی حاضر به

نگهداری یکی از این سگ‌ها هم نیستند و صرفاً با حمایت کلامی و کورکورانه و با غذاهای اشتباه، بر این معضل دامن می‌زنند. حسینی با بیان اینکه ریزش‌ها برای تامین زمین و احداث یک پناهگاه متمرکز نگهداری سگ‌های ولگرد با ظرفیت سه هزار نفر در دستور کار ما قرار دارد تصریح کرد: مساله اصلی ما جمع‌آوری سگ‌های ولگرد از کف خیابان بود لذا همه شهرداری‌های سطح استان در قدم اول مکلف به راه‌اندازی مراکز موقت نگهداری سگ‌های ولگرد شدند، همچنین شهرهایی که آنچنان با معضل سگ‌های ولگرد مواجه نیستند از ظرفیت مراکز شهرهای همجوار استفاده می‌کنند. بررسی‌های خیرنگار ایرنا از پناهگاه‌های سگ‌های ولگرد نشان می‌دهد برخی سگ‌های ولگرد پس از حضور در پناهگاه به قاری ناتوان هستند که حتی توان غذا خوردن هم ندارند که اینها توسط دامپزشک به روش انسان‌دوستانه معلوم می‌شوند. آن دسته از سگ‌های ولگرد که وضعیت بهتری دارند به عنوان سگ نگهبان یا گله به مردم واگذار می‌شوند و سگ‌هایی که قابلیت واگذاری به مردم را ندارند پس از نگهداری در مدت زمان مشخص و انجام واکسیناسیون و عقیم‌سازی، رهاسازی می‌شوند. سرپرست امور شهری و شورا‌های استانداری گلستان معتقد است: عقیم‌سازی هر سگ به ۳۰ میلیون ریال هزینه نیاز دارد لذا اگر قرار بر عقیم‌سازی همه سگ‌های ولگرد باشد باید اعتبار هنگفتی برای این مساله تامین شود با این وجود تلاش ما توسعه عقیم‌سازی سگ‌های ولگرد است. وی نگهداری سگ‌های ولگرد را امری هزینه‌بر خواند و توضیح داد: در حالی که هزینه سالانه نگهداری معنای متجاهر سالانه ۳۰۰ میلیون ریال است اما هزینه نگهداری یک سگ ولگرد سالانه ۳۳۰ میلیون ریال است. حسینی از کاهش محسوس سگ‌های ولگرد در ماه‌های اخیر در گلستان خبر داد و گفت: البته هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله داریم و ایده‌آل ما این است که مردم استان هنگام تردد در خیابان‌ها و معابر شاهد پرسه هیچ سگ ولگردی نباشند. سرپرست امور شهری و شورا‌های استانداری گلستان غذاهای از سوی برخی مردم را عامل افزایش سگ‌های ولگرد در جامعه دانست و افزود: ساماندهی و کنترل سگ‌های ولگرد و جمع‌آوری این سگ‌ها از کف خیابان باید به یک مطالبه عمومی تبدیل شود و معلوم‌سازی سگ ولگرد با اعتراض مردم رویه‌رو نشود. وی با بیان اینکه تاکنون هیچ اعتبار ملی برای نگهداری سگ‌های ولگرد اختصاص نیافته و هزینه‌های فعلی از محل اعتبارات داخلی انجام می‌شود، گفت: یکی از دغدغه‌های ما کنترل و ساماندهی سگ‌های ولگرد است تا ضمن حفظ آرامش شهروندان از سرایت بیماری‌ها به انسان جلوگیری شود. حسینی با بیان اینکه حدود ۴۳ هزار سگ صاحب‌دار در استان گلستان وجود دارد که مسئولیت آنان بر عهده صاحبانشان است، گفت: اکثر مواقع گزش‌ها توسط سگ‌های صاحب‌دار انجام می‌شود، از ۱۸ هزار گزشی که پارسال در گلستان گزارش شده بیش از ۱۵ هزار مورد آن مربوط به گزش سگ‌ها بوده و از این میزان تنها سه هزار گزش مربوط به سگ‌های بلاصاحب بوده است. مدیرکل دامپزشکی گلستان نیز با بیان اینکه جمع‌آوری و ساماندهی سگ‌های ولگرد و بلاصاحب با توجه به مصوبه وزارت کشور به استانداری‌ها محول شده، اظهار کرد: بعد از جمع‌آوری و اسکان سگ‌های ولگرد در پناهگاه‌هایی که از دامپزشکی مجوز گرفته‌اند با نظارت یک‌مسئول فنی و بهداشتی، دامپزشکی واکسیناسیون بیماری‌های، سمپاشی و ضدعفونی سگ‌ها و محل اسکان آنها به عنوان عضوی از این کارگروه ساماندهی این سگ‌ها به صورت کاملاً رایگان انجام می‌دهد. علی کاووسی با اشاره به اینکه پارسال حدود ۴۰ هزار قلاشه سگ به صورت کاملاً رایگان برعلیه بیماری‌های واکنش شدند، بیان کرد: قیمت هر دوز واکنس‌های برای سازمان دامپزشکی با احتساب هزینه تزیین حدود پنج میلیون ریال است. به گفته کاووسی، دامپزشکی فقط سگ‌ها را برعلیه بیماری‌های واکنسینه می‌کند و مسئولیت پیشگیری و درمان سایر بیماری‌ها بر عهده شهرداری است. وی با تاکید بر اینکه پناهگاه‌های برای عقیم‌سازی و کنترل زاد و ولد این سگ‌ها باید از بخش خصوصی کمک بگیرند، تاکید کرد: مسئول پناهگاه‌ها باید با بخش خصوصی قرارداد ببینند، وزارت کشور برای عقیم‌سازی این سگ‌ها بودجه‌ای به سازمان دامپزشکی تخصیص ندهد است. محمود اسپاتلو، داستان مرکز گلستان نیز خرداد ماه امسال ضمن تذکر به سرپرست امور شوراها و شهرداری‌های استان گلستان و شهرداری گرگان، خواستار جمع‌آوری سگ‌های ولگرد از سطح شهر شد و تاکید کرد: سگ‌های ولگرد تهدیدی علیه بهداشت عمومی و زمینه‌ساز انتقال بیماری هستند و داستانی پیگیری موضوع جمع‌آوری سگ‌های ولگرد از سطح شهر را تا رسیدن به نقطه مطلوب ادامه خواهد داد. به گزارش ایرنا، گرچه در حال حاضر متولیان با ایجاد پناهگاه‌های موقت برای ساماندهی سگ‌های ولگرد کاملاً برانشانند اما هنوز هم جولان سگ‌های ولگرد شهروندان به ویژه زنان و کودکان گلستانی را آزار می‌دهد لذا مطالبه مردم حساسیت و جدیت بیشتر در کنترل این سگ‌ها به ویژه قبل از فرا رسیدن فصل سرد سال است تا آرامش و آسایش مردم قربانی این معضل نشود. فارغ از همه این موضوعات به نظر می‌رسد مسوولان و قانونگذاران باید به این نکته توجه داشته باشند که در مسائل مربوط به حوزه فرهنگی و اجتماعی نمی‌توان همه افراد را راضی نگه داشت و در این مواقع معیار باید جلب رضایت اکثریت مردم باشد. و ختم کلام اینکه قطع منبع غذایی جلوگیری از غذاهای به سگ‌های ولگرد توسط مردم به ویژه حامیان حیوانات و همچنین تفکیک زباله از میدا و کنترل زباله‌ها از مهم‌ترین اقدامات اولیه‌ای است که تا حد زیادی می‌تواند جمعیت سگ ولگرد را به صورت طبیعی و بدون اعمال خشونت کنترل کند.